

عوامل قانون‌گریزی و دسته‌بندی سیاست‌های قانون‌گذاری بر اساس سیاست‌های ابلاغی

حسین علی احمدی جشفقانی

چکیده

بر اساس اسناد بالادستی در جمهوری اسلامی ایران، قانون ریشه در شریعت دارد و قانون‌گریزی یک فساد آشکار در جامعه است. در آغاز دهه پنجم انقلاب اسلامی، ۱۷ بند از سیاست‌های قانون‌گذاری، پس از تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام به قوای سه‌گانه جهت اجرا ابلاغ شد. هدف اصلی این بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی و دسته‌بندی تحلیلی سیاست‌های قانون‌گذاری با روش فرا تحلیل و تفسیر تحقیقات انجام شده از یکسو و دسته‌بندی سیاست‌های کلی ابلاغی با روش تحلیل محتوا می‌باشد. این پژوهش برخی از عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی قانون‌گریزی در ایران را با استفاده از ۱۴ مقاله معتبر علمی-پژوهشی مندرج در مجلات نشان می‌دهد و در بخش دوم با بهره‌مندی از سیاست‌های قانون‌گذاری ابلاغی مقام معظم رهبری، به دسته‌بندی آن‌ها می‌پردازد و در ۱۲ دسته آنها را تنظیم می‌نماید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که لزوم ابتنای قوانین، مقررات، اساسنامه‌ها، بخشنامه‌ها و تصویب‌نامه‌ها بر شریعت اسلامی، قانون اساسی و سیاست‌های ابلاغی دو دسته از محورهای سیاست‌های ابلاغی است که مورد اهتمام ویژه قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: عوامل قانون‌گریزی؛ سیاست‌های ابلاغی قانون‌گذاری؛ قلمرو اختیارات مدیران عالی و میانی.

۱. مقدمه

شرع قانون الهی و منطبق بر نظام خلقت است. قانون‌گرایی نوعی شریعت‌گرایی است و در مقابل قانون‌شکنی نوعی شریعت‌گریزی ضمنی است. انقلاب اسلامی، انقلاب مبتنی بر دین و ارزش‌هاست و لازم است دین‌مدار، شریعت‌گرا و قانون‌مدار باشد و مردم را با این فرهنگ آشنا نماید. سیاست‌های قانون‌گذاری در اسلام مبتنی بر سیاست‌های دینی و در انقلاب اسلامی سیاست‌های مبتنی بر اصل چهارم قانون اساسی (۱۳۶۸) است [۶].

قانون‌گریزی از موانع مهم رشد و توسعه جامعه است. انتظار رعایت موازین و مقررات از جانب دیگران و عدم پایبندی شخص به مقررات، تفسیر قانون به نفع منافع فردی و گروهی، تقلب نسبت به قانون و استفاده ابزاری از مقررات، سوءاستفاده از مقررات برای اضرار به منافع عمومی یا خصوصی و نیز قانون‌شکنی، از جمله اشکال متنوع و متعدد قانون‌گریزی است. قانون‌گریزی یک خصیصه منفی فرهنگی در برابر ویژگی مثبت فرهنگ قانون‌گرایی است [۱۷].

حدود چهل سال از قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد. این مدت به دو دوره می‌تواند تقسیم گردد: ۱- دوره اعمال مستقیم حاکمیت؛ این دوره از آغاز جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۷ شروع می‌شود و عملاً تا پایان عمر امام خمینی (ره) به گونه‌ای پرتنگ ادامه می‌یابد. ۲- دوره سیاست‌گذاری و تفویض به دیگران؛ از دهه هفتاد شمسی به این سو آثار منتشر شده در زمینه سیاست‌گذاری تنوع و گسترش بسیار در ایران یافت [۹].

اکنون بعد از دو دهه از دوران سیاست‌گذاری، اولین سیاست‌های کلی قانون‌گذاری ابلاغ گردیده است. این سیاست‌ها ضمن بازنگری در قوانین گذشته، محدودیت‌های زمانی، اولویت‌های قانون‌گذاری و حدود اختیارات قانون‌گذاران تبعی را تعیین می‌نماید و به‌طور ضمنی عدول از رعایت شریعت را در قوانین مصوب قبل یادآوری می‌نماید و خواستار بازگشت به مسیر انقلابی و اسلامی است. این مقاله به این مهم می‌پردازد که عوامل قانون‌گریزی کدام‌اند و چگونه دسته‌بندی شده‌اند؟ در ادبیات موضوع و سیاست‌های ابلاغی قانون‌گذاری چه معیارهایی دارد و چگونه دسته‌بندی می‌شود؟ مسئله مهم این بوده که تا به حال سیاست‌های قانون‌گذاری در این سطح و منسجم نبوده، حال چگونه دسته‌بندی می‌شود؟ این مقاله در دو بخش تنظیم می‌شود و در بخش نخست مرور ادبیات گذشته علل قانون‌گریزی را شناسایی و دسته‌بندی می‌نماید و در بخش بعد، سیاست‌های قانون‌گذاری را ارائه و دسته‌بندی می‌نماید و مقایسه این دو حالت بیانگر نوآوری پژوهش نیز می‌تواند باشد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مبانی نظری پژوهش و پیشینه پژوهش از ۱۴ مقاله علمی پژوهشی استفاده می‌شود و جامعه آماری بخش دوم پژوهش ۱۷ بند از سیاست‌های قانون‌گذاری مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغی سال ۱۳۹۸ است، که دسته‌بندی محتوای آن صورت می‌پذیرد. این پژوهش به دو بخش می‌پردازد: بخش نخست مرور پژوهش‌های گذشته معتبر در باب قانون‌گریزی و بخش دوم به بررسی و دسته‌بندی محورهای سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در حوزه قانون‌گذاری را تحلیل و تبیین می‌نماید.

در یک نظام الهی قانون‌گذاری منبعث از اراده الهی است و قانون‌گذاران بشری اعم از انبیاء (ع)، اوصیاء (ع) و سایر اشخاص مجاز به سیاست‌گذاری، ملزم به رعایت قوانین الهی برای رسیدن به مصالح دنیوی و اخروی هستند. تخلف از قانون در نگاه شریعت گناه و منکر تلقی می‌گردد و موجب هدر رفت استعدادهای مدیران و منابع می‌شود. در این پژوهش از تعاریف مرسوم حقوقی در جمهوری اسلامی ایران و در باب مباحث شرعی از اصطلاحات رایج و عمومی فقه شیعه استفاده شده است و نظر به تواتر و شهرت اکثر این مفاهیم در متون حقوقی و شرعی، از ذکر مجدد و یادآوری آن در پژوهش خودداری می‌گردد و خواننده محترم به وکی‌های موجود در فضای مجازی و متون حوزوی و حقوق خصوصی ارجاع داده می‌شود.

آقایان صنیعی و اکرمی [۱۹] در مطالعه خود معتقد شدند که نظم اجتماعی و روابط انسانی جامعه بشری، بستر آسایش، امنیت، رشد و بالندگی است و بر تعیین وظایف و حقوق و رعایت آن استوار است. قوانین، دولت، نهادهای اجتماعی و قوای قهریه، همه ابزار تحقق نظم اجتماعی و روابط انسانی هستند و قانون‌گرایی همواره از جمله مهمترین منویات حضرت امام خمینی (ره) نیز بوده است.

دانایی‌فرد و همکاران [۷] استحکام و انسجام هر جامعه در توجه به قانون و رعایت آن دانست و قانون‌پذیری و قانون‌گرایی در جامعه به منزله پذیرش منطق قانون قلمداد نمود. با وجود این، برخی از انسان‌ها روی از قانون برمی‌گردانند و قانون‌شکنی می‌کنند. برای تبیین دلایل قانون‌گریزی همانند هر پدیده اجتماعی دیگر باید از زوایای مختلف به آن نگاه کرد. به این ترتیب، سؤال اصلی پژوهش ایشان این بود که «چه عواملی (سیاسی، مدیریتی، اقتصادی، قانونی و اجتماعی-فرهنگی)، قانون‌پذیری را موجب می‌شوند؟» در این راستا، هدف اصلی پژوهش ارائه مدلی برای شناسایی عوامل تأثیرگذار در قانون‌گریزی در ایران بود و در تحقق این امر، پژوهشگران ضمن مرور کامل مبانی نظری پژوهش و نیز انجام مصاحبه‌های اکتشافی با خبرگان امر، با استفاده از روش توصیفی-پیمایشی به شناسایی مؤلفه‌ها و متغیرهای اصلی پژوهش پرداخته و با انتخاب اعضای نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس، فرضیه‌های پژوهش در بین اساتید دانشگاه‌های

کشور را مورد سنجش قرار داده‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش، به طور کلی عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی-فرهنگی در قانون‌گزینی افراد جامعه تأثیرگذارند. بنابراین بی‌توجهی به هر یک از این عوامل می‌تواند منجر به قانون‌گزینی افراد در جامعه شود.

اخلاق در پیشگیری از قانون‌گزینی نقش دارد. ابراهیم علی عسگری و قدرت الله نیازی [۳] در پژوهشی با عنوان «نقش اخلاق در پیشگیری از قانون‌گزینی» که به روش پژوهش توصیفی-تحلیلی به رشته تحریر درآمده است و هدف آن، بررسی نقش اخلاق در پیشگیری از قانون‌شکنی است، به چگونگی ارتباط اخلاق و قانون‌گزینی در وضع قوانین و اجرای احکام، به سؤال اصلی پرداختند با این فرض که اخلاق یکی از منابع حقوق است و توجه به این منبع، مانع از ناهنجاری‌ها و قانون‌شکنی‌ها می‌شود. در نهایت به این نتیجه رسیدند که اخلاق به‌طور غیرمستقیم موجب پیشگیری از قانون‌گزینی می‌گردد.

اصغر زاده و شایگان [۵] عوامل متعددی را باعث قانون‌گزینی در کشور دانستند. عوامل قانونی همچون ضعف قوانین، به روز نبودن قوانین، ضمانت اجرای ضعیف قوانین، مجریان و برخوردکنندگان با نقص قوانین، جهل و ناآگاهی مردم نسبت به قوانین باعث گسترش زمینه‌های انحراف می‌شود. همچنین عوامل اجتماعی چون آشفته‌گی اجتماعی و عوامل فرهنگی مانند تحصیلات، اعتقادات مذهبی و فعالیت رسانه‌ها، عوامل اقتصادی چون نابرابری اقتصادی، توسعه ناموزون و نیز عوامل سیاسی مانند ضعف نهادهای نظارتی و سایر عوامل مربوط به نظام سیاسی، کارگزاران سیاسی در قانون‌گزینی تأثیر دارند.

قانون‌گزینی منکر جافتاده در جامعه است که نیاز به شناسایی علل آن است. برخی از این علل در جامعه آماری مورد مطالعات و ۱۴ مقاله مورد مطالعه یافت شدند، که به شرح زیر مرور و دسته‌بندی می‌شوند:

رسانه‌های اجتماعی رابطه معنادار با قانون‌گزینی دارند. برخی رابطه مستقیم و برخی دیگر رابطه معکوس با قانون‌گزینی دارند. نتایج پژوهش میرفردی و فرجی [۱۶]: تحت عنوان «بررسی رابطه عوامل جامعه‌پذیری (خانواده و رسانه‌های جمعی) و میزان گرایش به قانون‌گزینی (مورد مطالعه: شهر یاسوج)» نشان داد: بین میزان جامعه‌پذیری در خانواده و گرایش به قانون‌گزینی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. بین استفاده از رسانه‌های جمعی و گرایش به قانون‌گزینی رابطه معناداری وجود دارد. بین میزان استفاده از تلویزیون، روزنامه و مجله و گرایش به قانون‌گزینی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. بین میزان استفاده از و گرایش به قانون‌گزینی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. بین میزان استفاده از رادیو و کتاب و گرایش به قانون‌گزینی رابطه معناداری وجود ندارد. مردان و افراد مجرد نسبت به زنان و افراد متأهل گرایش بیشتری به قانون‌گزینی داشته‌اند.

فقر اجتماعی شهری با قانون‌گریزی رابطه دارد. صمد کلانتری [۱۳] قانون‌گریزی را یک آسیب اجتماعی جدی دانست که با پایگاه اقتصادی-اجتماعی شهروندان در ارتباط است و معتقد بود، طبقه فقیر جامعه شهری میزان قانون‌گریزی بیشتری دارند. ایشان به این نتیجه رسیدند که همچنان که بر اساس مدل رگرسیونی به ترتیب فقر اقتصادی-اجتماعی، فقر نگرشی به قانون، فقر دینی، فقر فرهنگی و فقر شهروندی بسترهای مساعدی را برای قانون‌گریزی فراهم می‌کند و فرد را در موقعیت‌های هدف‌یابی به مکانیسم‌های خنثی‌سازی هدایت می‌کند تا به روش‌های فردی و ناهنجار عمل نماید.

از هم‌گسیختگی نهادی با قانون‌گریزی رابطه دارد. یافته‌های آرش حیدری و همکاران [۱۲] در پژوهش «نظریه از هم‌گسیختگی نهادی و قانون‌گریزی، مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز» نشان داد که از هم‌گسیختگی نهادی با قانون‌گریزی رابطه معنادار و مثبت دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که اثر فردگرایی و بت‌وارگی پول بر قانون‌گریزی معنادار است و اثر پیشرفت‌گرایی و جهان‌گرایی قابل چشم‌پوشی است. از سوی دیگر، نتایج نشان داد که قانون‌گریزی با پایگاه اجتماعی-اقتصادی رابطه ندارد. همچنین بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی عینی و از هم‌گسیختگی نهادی همبستگی مثبت و ضعیفی مشاهده شد.

عدم رعایت عدالت در پاداش کار رابطه با قانون‌گریزی دارد. در پژوهش مریم قهرمانی [۱۰] که توسط مریم مختاری ترجمه شد رابطه امور اداری و قانون‌گریزی مطالعه شد. هدف از این پژوهش، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر امکان ارتکاب قانون‌گریزی در روابط اداری است که در شهر شیراز به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر شیراز است. حجم نمونه ۴۰۰ نفر و از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و با استفاده از پرسشنامه داده‌ها گردآوری شده است. نظریه‌های مورد استفاده در این پژوهش، نظریه آنومی مرتن و نظریه فرصت‌های نابرابر کلوارد و اهالین است. نتیجه‌نهایی حاصل از پژوهش آن است که متغیرهای میزان مواجهه با پاداش و تنبیه مناسب، احساس تعلق اجتماعی و میزان مواجهه با فرصت‌های نابرابر، مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر امکان قانون‌گریزی در روابط اداری هستند که ۴۵ درصد از تغییرات در متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند.

علیرضا ربیعی با همکاران [۱۸] التزام آحاد جامعه به قوانین اجتماعی را یکی از مهم‌ترین ضروریات زندگی در جوامع دانست. زمانی که عده‌ای قوانین اجتماعی و هنجارهای رسمی جامعه را نادیده می‌گیرند، وضعیت قانون‌گریزی پیش می‌آید. پژوهش نامبردگان با هدف بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر قانون‌گریزی جوانان شهر بروجن انجام شد. عوامل اجتماعی شامل مسئولیت‌پذیری، ارزش‌های دینی و سنتی، اخلاق اجتماعی، جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات، وضعیت مسکن و میزان استفاده از رسانه‌های جمعی بودند. متغیر وابسته، قانون‌گریزی جوانان بودند

که مسئله اصلی پژوهش در نظر گرفته شدند و با هر یک از متغیرهای مستقل ذکر شده در ارتباط گذاشته شده بودند. این پژوهش با استفاده از روش پژوهش پیمایشی و تکنیک پرسشنامه بر روی ۳۷۶ نفر از جوانان شهر بروجن انجام گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی و تحلیلی و در قالب جداول توزیع فراوانی و در سطح آمار استنباطی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون انجام شد. نتایج نشان داد که متغیرهای مسئولیت‌پذیری، ارزش‌های دینی و سنتی، اخلاق اجتماعی، استفاده از رسانه‌های گروهی، وضعیت تأهل، وضعیت مسکن و تحصیلات، بر قانون‌گریزی جوانان تأثیری مثبت داشته، اما متغیر جنس بر قانون‌گریزی جوانان بی‌تأثیر بوده است.

نتایج پژوهش سید رضی سیدنژاد و نصرآبادی [۲۰] نشان داد که کم‌رنگ شدن برخی از فضایل و نیز شیوع برخی از رذایل اخلاقی، مانند پیروی از هواهای نفسانی، حرص و طمع به ثروت، قدرت‌طلبی و ریاست‌جویی، جاه‌طلبی و خودنمایی، تعصب و تعلق افراطی به خویشان و دوستان، پایین بودن آستانه تحمل، ترس از مافوق و حب و بغض‌های شخصی در سازمان در میان مدیران و کارکنان، آنها را از تبعیت از قوانین و مقررات سازمانی باز می‌دارد که لازم است با اتخاذ راه‌کارهای مؤثر و متناسب با این علل و ترویج اخلاق در سازمان، در سطحی فراگیر به حل این معضل و برون‌رفت از آن اقدام نمود».

عسگری و محرابی [۵] معتقد شدند که «قانون‌گریزی نوعی جهت‌گیری نسبت به هنجارهای قانونی است که بر اساس آن، فرد عدم پیروی از این هنجارها را به پیروی از آنها ترجیح می‌دهد. استحکام و انسجام هر جامعه‌ای، توجه به قانون و رعایت آن است و قانون‌پذیری و قانون‌گرایی در جامعه به منزله پذیرش منطق قانون است. با وجود این، برخی از انسان‌ها پیروی از قانون برمی‌گردانند و قانون‌شکنی می‌کنند».

سؤال پژوهشی و مدل مفهومی

در این مقاله به دنبال این هستیم که، چه عواملی سبب قانون‌گریزی شده‌اند؟ عوامل قانون‌گریزی چگونه دسته‌بندی شده‌اند؟ سیاست‌های قانون‌گذاری ابلاغ شده از سوی مقام معظم رهبری در ایران از چه دسته‌بندی‌هایی برخوردار است؟

این مطالعه در دو بخش به مطالعه علل قانون‌گریزی موجود در منابع کتابخانه‌ای در متون مقالات فارسی زبان و سیاست‌های کاربردی و عملیاتی قانون‌گذاری شده در مجمع تشخیص مصلحت نظام که توسط رهبری نظام به قوای سه‌گانه ابلاغ شده است، می‌پردازد.

در مطالعات نظری و مجلات معتبر فارسی، فرهنگ قانون‌گرایی و عوامل قانون‌شکنی مطرح شده است و نویسندگان به بررسی علل قانون‌گریزی و لزوم قانون‌مداری با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای پرداخته و در بخش پایانی به دسته‌بندی و تحلیل اجمالی برخی از سیاست‌های ابلاغی برای قانون‌گذاری مطلوب در جمهوری اسلامی اشاره می‌شود. مقالات فارسی در این حوزه به نتایج

مرتبط با بخش اول این نوشتار اشاره دارند. در جدول ۱ نتایج مطالعات کتابخانه‌ای مرتبط با بخش اول پژوهش که مبین لزوم قانون‌گرائی و تبیین انواع عوامل قانون‌گزینی در ایران است، یادداشت شده است.

جدول ۱ مفروضات قانون‌گرائی و عوامل قانون‌گزینی

اظهار نظر کننده	عنوان پژوهش	مفروضات پژوهش	نتایج دسته‌بندی
عسگری، محمد رضا؛ محرابی، مینا؛	شناخت و بررسی علل و زمینه‌های قانون‌گزینی	استحکام و انسجام هر جامعه، به رعایت قانون است ولی برخی از انسان‌ها قانون‌شکنی می‌کنند	اهمیت قانون‌گرائی؛ امکان وقوع قانون‌گزینی
سید نژاد، سید رضی؛ باقی نصر آبادی، علی	تعلیل ریشه‌های اخلاقی قانون‌گزینی در مدیران و کارکنان	پیروی از هوای نفس، حرص و طمع به ثروت، قدرت‌طلبی و ریاست‌جویی، جاه‌طلبی و خودنمایی، تعصب و تعلق افراطی به خویشان و دوستان، پایین بودن آستانه تحمل، ترس از مافوق و حب و بغض شخصی سبب قانون‌گزینی است.	بیان فهرست ردائل اخلاقی موثر بر قانون‌گزینی
ربیعی، علی‌رضا؛ ملک محمدی، مه‌راب؛ قجری، حسینعلی؛	تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نگرش جوانان به قانون‌گزینی	رسانه‌های گروهی، وضعیت تأهل، مسکن و تحصیلات، بر قانون‌گزینی جوانان شهر بروجن تأثیر داشت.	بیان فهرست عوامل اجتماعی قانون‌گزینی
قهرمانی، مریم، مترجم؛ مختاری، مریم؛	عوامل اجتماعی مؤثر بر امکان قانون‌گزینی در روابط اداری	میزان مواجهه با پاداش و تنبیه مناسب، احساس تعلق اجتماعی و میزان مواجهه با فرصت‌های نابرابر، مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر قانون‌گزینی در روابط اداری شیراز بودند.	بیان فهرست عوامل اجتماعی قانون‌گزینی اداری
حیدری، آرش؛ رضادوست، کریم؛ فروتن کیا، شهرزاد؛	نظریه از هم‌گسیختگی نهادی و قانون‌گزینی	از هم‌گسیختگی نهادی با قانون‌گزینی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز رابطه مثبت دارد. فردگرایی و بت‌وارگی پول بر قانون‌گزینی آنان تأثیر دارد.	بیان عوامل مؤثر بر قانون‌گزینی ناشی از هم‌گسیختگی نهادی
کلانتری، صمد؛ ربانی، رسول؛ صداقت، کامران؛	ارتباط فقر با قانون‌گزینی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی	به ترتیب فقر اقتصادی - اجتماعی، فقر نگرشی به قانون، فقر دینی، فقر فرهنگی و فقر شهروندی بسترهای مساعدی را برای قانون‌گزینی فراهم می‌کند	بیان فهرست تربیتی انواع عوامل ناشی از فقر بر قانون‌گزینی

نظرات و نظرکننده	عنوان پژوهش	مفروضات پژوهش	نتایج دسته‌بندی
میرفردی، اصغر؛ فرجی، فروغ؛	بررسی رابطه عوامل جامعه‌پذیری و میزان گرایش به قانون‌گریزی	بین استفاده از رسانه‌های جمعی و گرایش ایشان به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد. مردان و افراد مجرد شهر یاسوج نسبت به زنان و افراد متأهل گرایش بیشتری به قانون‌گریزی داشتند.	نقش جنسیت در قانون‌گریزی
علی عسگری، ابراهیم؛ نیازی، قدرت‌الله؛	نقش اخلاق در پیشگیری از قانون‌گریزی	اخلاق یکی از منابع حقوق است و توجه به این منبع، مانع از ناهنجاری‌ها و قانون‌شکنی‌ها می‌شود.	مانعیت پای بندی به اخلاق در قانون‌گریزی
دانایی فرد، حسن؛ آذر، عادل؛ صالحی، علی؛	قانون‌گریزی در ایران	عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی-فرهنگی در قانون‌گریزی افراد جامعه تأثیر گذارند.	دسته‌بندی عوامل قانون‌گریزی
صنّعی، حمدحسین؛ اکرمی، سیدمهدی؛	بررسی جایگاه قانون و قانون‌گرایی	قانون‌گرایی از جمله مهم‌ترین منویات حضرت امام خمینی (ره) بوده است.	لزوم قانون‌گرایی در شریعت اسلامی
اصغر زاده، سمیه؛ شایگان، فریبا؛	رویکردی چند عاملی به قانون‌گریزی	عوامل قانون‌گریزی، عبارت‌اند از: ضعف قوانین، به‌روز نبودن قوانین، ضمانت اجرای ضعیف قوانین، مجریان و برخوردکنندگان با نقض قوانین، جهل و ناآگاهی مردم نسبت به قوانین، آشفتگی اجتماعی، تحصیلات، عقاید، فعالیت رسانه‌ها، نابرابری اقتصادی، توسعه ناموزون، ضعف نهادهای نظارتی	بیان فهرست عوامل قانون‌گریزی
پروین، فرهاد؛	قانون‌گریزی نقض متقابل حقوق شهروندی	عدم اعتقاد به پایبندی به قانون، تفسیر قانون به نفع منافع فردی و یا گروهی، تقلب نسبت به قانون، استفاده‌ی ابزاری از مقررات، سوءاستفاده از مقررات برای اضرار به منافع عمومی و یا خصوصی، از جمله اشکال متنوع قانون‌گریزی است.	بیان فهرست مصادیق قانون‌گریزی با ظاهر قانون‌گرایی

بر این اساس برخی از مهم‌ترین عوامل قانون‌گزیزی مندرج در مقالات فارسی شامل: ضعف قوانین، به روز نبودن قوانین، ضمانت اجرای ضعیف قوانین، مجربان و برخوردارکنندگان با نقص قوانین، جهل و ناآگاهی مردم نسبت به قوانین ضعف نهادهای نظارتی، نابرابری اقتصادی، توسعه ناموزون، عدم اعتقاد به پایبندی به قانون، تفسیر قانون به نفع منافع فردی و یا گروهی، تقلب نسبت به قانون، استفاده ابزاری از مقررات، سوءاستفاده از مقررات برای اضرار به منافع عمومی و یا خصوصی، فقر اقتصادی-اجتماعی، فقر نگرشی به قانون، فقر دینی، فقر فرهنگی و فقر شهروندی، از هم‌گسیختگی نهادی، فردگرایی و بت‌وارگی پول، پاداش و تنبیه غیرمناسب، احساس تعلق اجتماعی غلط، فرصت‌های نابرابر، رفتار غیر مناسب رسانه‌های گروهی، متناسب نبودن وضعیت تأهل، مسکن و تحصیلات، و شیوع رذایل اخلاقی، شامل: پیروی از هوای نفس، حرص و طمع به ثروت، قدرت‌طلبی و ریاست‌جویی، جاه‌طلبی و خودنمایی، تعصب و تعلق افراطی به خویشان و دوستان، پایین بودن آستانه تحمل، ترس از مافوق و حب و بغض شخصی. این عوامل برخی اخلاقی، برخی اجتماعی، برخی فرهنگی، برخی اقتصادی، برخی سیاسی، برخی حقوقی و برخی دینی هستند.

بر اساس دیدگاه سیاست‌های ابلاغی که به طور تفصیلی در جدول ۲ خواهد آمد، برخی از مهم‌ترین محورهای سیاست‌های قانون‌گذاری در ایران، شامل: شریعت‌گرایی، محوریت قانون اساسی و سیاست‌های کلی، محدودیت در حدود اختیارات قانون‌گذاران، ایجاد ثبات و تعادل در قانون‌گذاری، رعایت اصول و ادبیات تخصصی در قانون‌نویسی، تعیین اولویت‌های قانون‌گذاری، رعایت اسناد بالادستی و حقوق ذی‌نفعان و ترویج فرهنگ قانون‌گرایی به‌جای قانون‌گزیزی است. در این بخش از مبانی نظری سیاست‌های قانون‌گذاری را با توجه به تحلیل محتوا و مضمون سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری تحلیل می‌گردد. نخست متن سیاست‌های ابلاغی یادآوری می‌گردد.

سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری:

۱. توجه به موازین شرع به عنوان اصلی‌ترین منشأ قانون‌گذاری در تنظیم و تصویب طرح‌ها و لوایح قانون.
۲. ارزیابی و پالایش قوانین و مقررات موجود کشور از حیث مغایرت با موازین شرعی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ایجاد سازوکار لازم برای تضمین اصل چهارم قانون اساسی.
۳. تعیین سازوکار مناسب برای عدم مغایرت مقررات با قانون اساسی.

۴. نظارت بر عدم مغایرت یا انطباق قوانین با سیاست‌های کلی نظام، با همکاری شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و تصویب قوانین لازم برای تحقق هریک از سیاست‌های کلی نظام.
۵. تعیین حدود اختیارات و صلاحیت مراجع وضع قوانین و مقررات با ارائه تعریف روشن و مشخص از «قانون»، «آیین‌نامه، تصویب‌نامه و بخشنامه موضوع اصل ۱۳۸»، «قانون آزمایشی و اساسنامه موضوع اصل ۸۵»، «برنامه و خط‌مشی دولت و تصمیمات موضوع اصل ۱۳۴»، «آراء وحدت رویه و ضوابط موضوع اصل ۱۶۱» و سایر مقررات و همچنین طبقه‌بندی و تعیین هرم سیاست‌ها، قوانین و مقررات کشور بر اساس نص یا تفسیر اصول قانون اساسی حسب مورد، از طریق مجلس شورای اسلامی.
۶. تعیین حدود اختیارات مجلس در اصلاح لوایح با رعایت اهداف لایحه.
۷. تعیین محدوده اختیار مجلس در تصویب ساختار و مفاد بودجه‌ی سالانه کل کشور (پیش‌بینی درآمدها، هدف‌گذاری‌ها، موارد هزینه) با تصویب قانون لازم و اصلاح آیین‌نامه‌ی داخلی مجل.
۸. تعیین وظایف دولت و مجلس در مورد تعداد وزرا و وظایف و اختیارات آنان، وظایف قانونی رئیس‌جمهور موضوع اصل ۶۰ و ۱۲۴ قانون اساسی و هرگونه ادغام، الحاق، انتزاع و ایجاد سازمان‌های اداری، از طریق تصویب قانون.
۹. رعایت اصول قانون‌گذاری و قانون‌نویسی و تعیین سازوکار برای انطباق لوایح و طرح‌های قانونی با تأکید بر:
 - قابل اجرا بودن قانون و قابل سنجش بودن اجرای آن.
 - معطوف بودن به نیازهای واقعی.
 - شفافیت و عدم ابهام.
 - استحکام در ادبیات و اصطلاحات حقوقی.
 - بیان شناسه تخصصی هر یک از لوایح و طرح‌های قانونی و علت پیشنهاد آن.
 - ابتناء بر نظرات کارشناسی و ارزیابی تأثیر اجرای قانون.
 - ثبات، نگاه بلندمدت و ملی.
 - انسجام قوانین و عدم تغییر یا اصلاح ضمنی آنها بدون ذکر شناسه تخصصی.
 - جلب مشارکت حداکثری مردم، ذی‌نفعان و نهادهای قانونی مردم‌نهاد تخصصی و صنفی در فرآیند قانون‌گذاری.

- عدالت‌محوری در قوانین و اجتناب از تبعیض ناروا، عمومی بودن قانون و شمول و جامعیت آن و حتی‌الامکان پرهیز از استثناهای قانونی.
۱۰. تعیین عناوین قوانین جامع، تبویب، تنقیح و تعیین شناسه قوانین موجود کشور در طول برنامه ششم توسعه.
۱۱. تعیین سازوکاری از سوی مجلس شورای اسلامی برای تشخیص قابلیت طرح در مجلس (موضوع اصل ۷۵ قانون اساسی) قبل از طرح و اعلام وصول.
۱۲. ضابطه‌مندسازی و تعیین نصاب بالا برای ارجاع به مجمع تشخیص مصلحت نظام در موارد تعارض مصوبه مجلس با نظر شورای نگهبان.
۱۳. بازنگری در مصوباتی که بر اساس مصلحت در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده است از حیث تعیین دوره اعتبار مصلحت.
۱۴. رعایت صلاحیت ذاتی قوای سه‌گانه در قوانین مربوط به تشکیل نهادهایی از قبیل شوراهای عالی؛ بازنگری در قوانین موجود این نهادها؛ پیش‌بینی سازوکار کارآمد قانونی لازم برای تضمین عدم مغایرت مصوبات آنها با قوانین عادی.
۱۵. تعیین اولویت‌های قانون‌گذاری با محوریت: گره‌گشایی از امور اجرایی کشور، اصول اجراننده قانون اساسی، سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی نظام، برنامه‌ی پنج‌ساله توسعه و مطالبات رهبری.
۱۶. رعایت تدابیر فرماندهی کل نیروهای مسلح در قانون‌گذاری برای نیروهای مسلح.
۱۷. ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ رعایت، تمکین و احترام به قانون و تبدیل آن به یک مطالبه عمومی» [۱۴].

با توجه به محتوای مذکور در محورهای ۱۷ گانه سیاست‌های قانون‌گذاری ابلاغی و مصوب سال ۱۳۹۸، می‌توان مفاد سیاست را به ۱۲ دسته زیر تقسیم کرد و مفاد مشترک هر دسته را تحلیل محتوا نمود:

شریعت محوری در قانون‌گذاری: برای شرع دو معنا متصور است: ۱- کلیه آنچه مربوط به دین‌داری است. ۲- احکام و نظامات فقهی و شرعی. به نظر می‌رسد منظور سیاست‌گذار معنای دوم می‌باشد. این مطلب می‌تواند از تناسب حکم و موضوع استنباط شود؛ زیرا موضوع قانون‌گذاری تناسب با احکام فقهی و اخلاقی دارد؛ بنابراین، این سیاست شامل علوم عقلی، فلسفه، منطق، عرفان و علوم نقلی نظیر علم کلام نیست و نهایت شامل فقه اسلام، اخلاق اسلامی و اصول فقه می‌باشد. همچنین منظور از مذهب رسمی کشور، یعنی مذهب شیعه مورد نظر است. مگر در مواردی که به اقلیت‌های دینی و مذهب اهل سنت رسمیت داده شده است. نظیر احوال شخصیه.

این دسته سیاست‌ها لاقلاً در بندهای ۱ و ۲ سیاست‌های ابلاغی مشاهده می‌شود که مقرر شده است: ۱- توجه به موازین شرع به عنوان اصلی‌ترین منشأ قانون‌گذاری در تنظیم و تصویب طرح‌ها و لوایح قانونی، ۲- ارزیابی و پالایش قوانین و مقررات موجود کشور از حیث مغایرت با موازین شرعی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ایجاد سازوکار لازم برای تضمین اصل چهارم قانون اساسی [۱۴].

حق وضع سیاست حقی الهی است که در موارد تعیین‌شده به پیامبر (ص)، ائمه (ع) و در دوره غیبت به نواب خاص و عام امام (ع) تفویض شده است تا بر اساس شریعت اقدام به وضع قوانین و سیاست‌ها برحسب مصالح نمایند و این‌گونه احکام موقت و تابع مصلحت هستند. (علی احمدی جشقانی، ۱۳۷۴) [۱] شریعت محوری در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز تحت عنوان «موازین اسلامی» مورد اهتمام واقع شده است: «اصل چهارم: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است». (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل چهارم) [۱] مجلس حق وضع قوانین مغایر شرع را ندارد. چون اصل هفتاد و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد «اصل هفتاد و دوم: مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است» [۱].

انطباق بر قانون و سیاست‌های کلان نظام: اصطلاح قانون به معنای عام شامل همه مقررات لازم‌الاجرا می‌شود ولی به معنای خاص فقط به مصوبات مجلس اطلاق می‌گردد. سیاست مجموعه تدابیری است که حکومت به منظور اداره امور کشور اتخاذ می‌کند [۸]. قوانین به معنای خاص باید منطبق با قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام باشد؛ یعنی مصوبات مجلس شورای اسلامی بر اساس اصل هفتاد و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نباید مغایر قانون اساسی باشد.

این مهم نیاز به سازوکار قانونی دارد که در بند ۳- تعیین سازوکار مناسب برای عدم مغایرت مقررات با قانون اساسی سیاست‌های قانون‌گذاری اشاره شده است. [۱۴] قانون اساسی به رهبری حق و وظیفه سیاست‌گذاری داده است. چون مقرر داشته است: «اصل یکصد و دهم: وظایف و اختیارات رهبری: ۱- تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام ۲- نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» [۶]. تحقق سیاست‌های کلی نظام نیاز به نظارت عالی رهبری دارد که در بند ۴ سیاست‌های قانون‌گذاری چنین مقرر شده است: «۴- نظارت بر عدم مغایرت یا انطباق قوانین با سیاست‌های کلی نظام با

همکاری شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و تصویب قوانین لازم برای تحقق هر یک از سیاست‌های کلی نظام» [۱۴].

یکی از ابعاد رعایت قانون اساسی در حوزه رعایت اختیارات ذاتی قوای سه‌گانه مندرج در قانون اساسی است که در این زمینه در بند ۱۴ سیاست‌های قانون‌گذاری چنین مقرر شده است: «۱۴- رعایت صلاحیت ذاتی قوای سه‌گانه در قوانین مربوط به تشکیل نهادهایی از قبیل شوراهای عالی؛ بازنگری در قوانین موجود این نهادها؛ پیش‌بینی سازوکار کارآمد قانونی لازم برای تضمین عدم مغایرت مصوبات آنها با قوانین عادی» [۱۴].

تعیین حدود اختیارات قانون‌گذاران ثانوی: قانون‌گذارانی که به تبع قوانین مجلس اختیار وضع مقررات دارند را می‌توان قانون‌گذار ثانوی دانست. این قانون‌گذاران باید حدود اختیارات آنها معلوم شود. در این زمینه بند ۵ سیاست‌های قانون‌گذاری چنین مقرر می‌دارد: «۵- تعیین حدود اختیارات و صلاحیت مراجع وضع قوانین و مقررات با ارائه تعریف روشن و مشخص» [۱۴]. باید معلوم شود چه اشخاصی حق وضع تصویب‌نامه، آیین‌نامه، مصوبه، بخشنامه، مرامنامه، اساسنامه، تصمیم، شیوه‌نامه، راهبرد، الگو، نظریه‌پردازی، دستورالعمل، سیاست، قانون و غیره را دارند؟ و تعاریف این امور چیست؟

ارائه تعاریف قانونی: قانون‌گذاران تبعی باید کارشان دارای تعاریف دقیق قانونی باشد. در این زمینه بند ۵ سیاست‌های قانون‌گذاری مقرر می‌دارد: «۵- ارائه تعریف روشن و مشخص از «قانون»، «آیین‌نامه، تصویب‌نامه و بخشنامه موضوع اصل ۱۳۸»، «قانون آزمایشی و اساسنامه موضوع اصل ۸۵»، «برنامه و خط‌مشی دولت و تصمیمات موضوع اصل ۱۳۴»، «آراء وحدت رویه و ضوابط موضوع اصل ۱۶۱» و سایر مقررات و همچنین طبقه‌بندی و تعیین هرم سیاست‌ها، قوانین و مقررات کشور بر اساس نص یا تفسیر اصول قانون اساسی حسب مورد، از طریق مجلس شورای اسلامی» [۱۴].

موضوع کار قانون‌گذاران ثانوی و تبعی، امور متعددی را شامل می‌شود که تعاریف دقیقی ندارند و در سیاست‌های قانون‌گذاری خواسته شده تا این تعاریف دقیق در قانون تصویب شوند. برخی از این موضوعات شامل: ۱- تصویب‌نامه، مقرراتی است که مراجع و مقامات دولتی در حدود صلاحیت در امور معین و مشخص وضع می‌نمایند در اموری غیر از امور مورد نظر قانون‌گذار. ۲- آیین‌نامه مشتمل بر قواعد عام و کلی متعدد و مرتبط است. آیین‌نامه‌ها سه نوع‌اند: اجرائی؛ تفویضی یا جانشین قانون؛ و مستقل که مقامات واضح آن هیئت‌وزیران، وزیر، استاندار، فرماندار و غیره می‌باشند. اعتبار آیین‌نامه منوط است به اینکه اولاً مغایر قانون عادی نباشد ثانیاً تکالیف جدیدی برای مردم ایجاد نکند. مقامات اجرایی به موجب اصل یک‌صد و سی و هشتم قانون اساسی می‌توانند در حدود اختیاراتشان اقدام به وضع آیین‌نامه نمایند. ۳- دستورالعمل مقرراتی است که وزیران، شوراهای کمیسیون‌ها یا رؤسای دستگاه‌ها، خطاب به همکاران قلمرو مأموریت خود، در مقام تفسیر و بیان

شیوه اجرای قوانین و مقررات و یا به منظور حسن اجرا و تنظیم امور داخلی صادر می‌نمایند. ۴- مصوبه، تصمیمات شوراها، هیئت‌ها و کمیسیون‌ها است به مفهوم اخص کلمه. ۵- ابلاغیه یا ابلاغ وزارتی به منظور هدایت ادارات در اختیار و تکلیف وزیر صادر می‌شوند و اگر در مورد خاص باشد دستور وزیر را ابلاغ وزارتی گویند. ۶- اگر به‌طور کلی باشد بخشنامه وزارتی گویند. ۷- بخشنامه تعلیمات کلی و یکنواخت به‌صورت مکتوب است که از طرف مقام اداری به مرئوسین برای ارشاد به مدلول و طرز تطبیق قانون یا آیین‌نامه داده می‌شود و نباید مخالف قانون یا آیین‌نامه باشد و اگر مخالف صریح قانون نباشد از سوی مرئوس لازم‌الاتباع است.

تعیین قلمرو اختیارات مجلس در قانون‌گذاری: تداخل کارها از اموری است که گاه در کشور مشکل‌ساز شده است و کار زیادی برای مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی ایجاد نموده است. برای حل این تعارضات در سیاست‌های قانون‌گذاری در ۳ بند تعیین تکلیف شدند و مقرر گردیده: «۶- تعیین حدود اختیارات مجلس در اصلاح لوایح با رعایت اهداف لایحه»، «۱۱- تعیین سازوکاری از سوی مجلس شورای اسلامی برای تشخیص قابلیت طرح در مجلس (موضوع اصل ۷۵ قانون اساسی) قبل از طرح و اعلام وصول»، «۱۲- ضابطه‌مند سازی و تعیین نصاب بالا برای ارجاع به مجمع تشخیص مصلحت نظام در موارد تعارض مصوبه مجلس با نظر شورای نگهبان» [۱۴].

کنترل قدرت قوا در تغییر تشکیلات دولتی، وزارتخانه‌ها و تعداد وزرا: برای تنظیم ساختار حکومت تعارضاتی مشاهده شد، مثل ادغام وزارت بازرگانی در وزارت صنایع و معادن و غیره که خرج‌های کلان بر نظام تحمیل می‌کرد و دائم در حال تغییر و تبدل بود و مردم را در مراجعه به دستگاه‌ها دچار مشکل می‌کرد. برای حل این معضل راه‌کار در بند ۷ سیاست‌های قانون‌گذاری مقرر شد: «۷- تعیین محدوده اختیار مجلس در تصویب ساختار و مفاد بودجه سالانه کل کشور (پیش‌بینی درآمدها، هدف‌گذاری‌ها، موارد هزینه) با تصویب قانون لازم و اصلاح آیین‌نامه داخلی مجلس»، «۸- تعیین وظایف دولت و مجلس در مورد تعداد وزرا و وظایف و اختیارات آنان، وظایف قانونی رئیس‌جمهور موضوع اصل ۶۰ و ۱۲۴ قانون اساسی و هرگونه ادغام، الحاق، انتزاع و ایجاد سازمان‌های اداری، از طریق تصویب قانون» [۱۴].

رعایت ادبیات و اصول تخصصی قانون‌نویسی: برخی اشکالات در نگارش قانون و عدم رعایت اصطلاحات خاص حقوقی و وجود تعارضات در قوانین مصوب و ابهامات سبب خرده‌گیری نقادان بود و برخی روزمرگی‌ها در تدوین قوانین موجب تغییر مدام قوانین می‌شد، هرچند لازمه ذاتی انقلاب ایجاد تحول بود اما نوعی افراط در این امور به چشم می‌خورد که با وضع بند ۹ سیاست‌های قانون‌گذاری می‌خواهد بهبود یابد. این بند مقرر می‌دارد: «۹- رعایت اصول قانون‌گذاری و قانون‌نویسی و تعیین سازوکار برای انطباق لوایح و طرح‌های قانونی با تأکید بر:

قابل اجرا بودن قانون و قابل‌سنجش بودن اجرای آن. معطوف بودن به نیازهای واقعی. شفافیت و عدم ابهام. استحکام در ادبیات و اصطلاحات حقوقی. بیان شناسه تخصصی هر یک از لوایح و طرح‌های قانونی و علت پیشنهاد آن. ابتناء بر نظرات کارشناسی و ارزیابی تأثیر اجرای قانون» [۱۴].

انسجام در شکل قوانین: نیاز به باب‌بندی، ایجاد شناسه و تنقیح قوانین موجود نوعی مدیریت بهبود حقوقی است که نیاز آن احساس می‌شد و با تصویب و ابلاغ بندهای ۹ و ۱۰ سیاست‌های قانون‌گذاری انتظار اصلاح آن می‌رود: «انسجام قوانین و عدم تغییر یا اصلاح ضمنی آن‌ها بدون ذکر شناسه تخصصی»، «۱۰- تعیین عناوین قوانین جامع، تبویب، تنقیح و تعیین شناسه قوانین موجود کشور در طول برنامه ششم توسعه» [۱۴].

تعیین شمول و جامعیت قوانین: برای نجات از روزمرگی از یک‌سو و تعیین مدت برای مصالح زودگذر از سوی دیگر، قانون باید امور شخصی نباشد بلکه به امور نوعی بپردازد و از تبعیض و رانت تغییر قوانین نیز حتی‌المقدور جلوگیری نماید. به دین منظور در بند ۹ سیاست‌های قانون‌گذاری ابلاغی رهبری چنین مقرر گردید: «عدالت محوری در قوانین و اجتناب از تبعیض ناروا، عمومی بودن قانون و شمول و جامعیت آن و حتی‌الامکان پرهیز از استثنای قانونی»، «جلب مشارکت حداکثری مردم، ذی‌نفعان و نهادهای قانونی مردم‌نهاد تخصصی و صنفی در فرآیند قانون‌گذاری» [۱۴]. البته معلوم است که دخالت دادن صنوف و تشکل‌های خصوصی در قانون‌گذاری معایبی نیز به دنبال خواهد داشت که باید سعی شود از زیان‌های این اقدام نیز پیش‌گیری به عمل آید.

تعیین میزان ثبات و تغییر در قوانین: ثبات و تغییر یکی از دوگانه‌های مهم در اداره کشور و قانون‌گذاری است. همه امور نباید همیشه در تغییر باشد و نیز نباید برخی از امور ثابت بماند و اقتضای زمان و مکان رعایت نگردد. [۱۱] برای تعادل در این امر رعایت نیاز واقعی و پرهیز از نیازهای کاذب از یک‌سو و تعیین زمان‌بندی در امور زمان‌دار و مصالح موقت امری لازم بود که در بندهای ۹ و ۱۳ سیاست‌های قانون‌گذاری تصویب شد: «معطوف بودن به نیازهای واقعی. ثبات، نگاه بلندمدت و ملی در قانون‌گذاری»، «۱۳- تعیین دوره اعتبار بازنگری در مصوبات مصلحتی مجمع تشخیص مصلحت نظام» [۱۴].

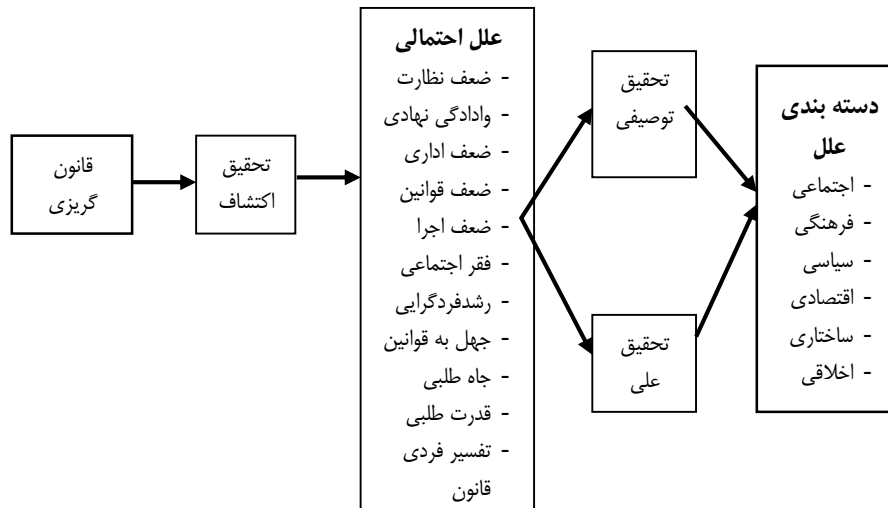
قوانین عادی لازم برای اسناد بالادستی: اولویت‌های قانون‌گذاری در اموری به چشم می‌خورد که در اسناد بالادستی پیش‌بینی شده است ولی مجلس شورای اسلامی فرصت نکرده که قوانین عادی آن را تنظیم و تصویب نماید یا از تصویب چنین قوانینی غفلت نموده است و عملاً اسناد بالادستی اجرا نشده است. برای رفع این نقیصه بندهای ۱۵ و ۱۶ سیاست‌های قانون‌گذاری پیش‌بینی شده است که چنین مقرر شده‌اند: «۱۵- تعیین اولویت‌های قانون‌گذاری با محوریت: گره‌گشایی از امور اجرایی کشور، اصول اجراننده قانون اساسی، سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی

نظام، برنامه پنج‌ساله توسعه و مطالبات رهبری»، «۱۶- رعایت تدابیر فرماندهی کل نیروهای مسلح در قانون‌گذاری برای نیروهای مسلح» [۱۴].

ترویج فرهنگ عمومی قانون‌گرایی: فرهنگ قانون‌گرایی در ایران ناشی از لزوم رعایت احکام حکومتی ولایت‌فقیه است [۱۶]. تبدیل‌شدن رعایت قوانین به فرهنگ و هنجار عمومی و منع ناهنجاری قانون‌گریزی امری فرهنگی است که جز با سازوکار مردمی، عمومی و دولتی امکان‌پذیر نیست. نقیصه قانون‌گریزی ناشی از افول اجرای اصل هشتم قانون اساسی است: «اصل هشتم: در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند» [۶]. در بند ۱۷ سیاست‌های قانون‌گذاری به این مهم توجه شده است که مقرر نموده است: «۱۷- ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ رعایت، تمکین و احترام به قانون و تبدیل آن به یک مطالبه عمومی» [۱۴].

۳. روش‌شناسی پژوهش

در این مقاله برای انجام پژوهش از روش کیفی استفاده شده است. پژوهش کیفی در برگیرنده مجموعه‌ای پیچیده و متصل به یکدیگر از اصطلاحات، مفاهیم و مفروضات یا سوالات است. این پژوهش از نظر زمان پژوهش توصیفی بوده و به بررسی رابطه علی و معلولی قانون‌گریزی می‌پردازد و با روش تفکر منطقی، که به اعتبار افزون بودن نتایج نسبت به صغری و کبری قیاس، روش «ترکیب پلاس» نیز نامیده شده است، به استنتاج منطقی می‌پردازد و عوامل قانون‌گریزی را با توجه به دسته‌بندی‌های کتابخانه‌ای ناشی از مرور پیشینه مورد مطالعه قرار می‌دهد. پایایی و روائی داده‌ها در بخش نخست مقاله با توجه به داوری مقالات مورد استفاده دارای اعتبار بوده و نیاز به پایایی و روائی سنجی مجدد ندارد مگر در حدی که از روش صغری- کبری نتیجه مندرج در کتب منطق سوری استفاده شده است که با توجه به شیوع اعتبار آن نزد منطقیین و فلاسفه [۱۵] و اجماعی بودن کاربرد آن در علوم انسانی در اسلام نیاز به بحث مجدد ندارد. در بخش نخست پژوهش از یک رویکرد سه‌گانه تحقیق اکتشافی، تحقیق توصیفی و تحقیق علی استفاده خواهد شد، که در شکل ۱ نشان داده می‌شود.



شکل ۱ رویکرد سه‌گانه تحقیق برای دستیابی به علل قانون‌گزیزی

در بخش دوم مقاله بر اساس تحلیل محتوا و مضمون به تفسیر سیاست‌های ابلاغی پرداخته است. توضیح این که اصل سیاست‌های ابلاغی دارای اعتبار قانونی بلکه فوق قانون هستند و نیاز به اثبات اعتبار و پایائی و روائی مجدد ندارد و تفسیر و دسته‌بندی آنها نیز با توجه به تخصص حوزوی نویسندگان و بر اساس دلالت مطابقی داده‌های محورهای مندرج در سیاست‌های قانون‌گذاری که نوعی تفسیر به دلالت‌های مطابقی و التزامی متون است صورت پذیرفته است و لوازم بین آن که همرد پذیرش عرف عمومی عقلا است به دسته‌بندی پرداخته است و به نوعی از روش تفسیری داده‌ها استفاده شده است.

جامعه آماری مورد بحث در بخش نخست مطالعه حاضر چهارده پژوهش فارسی معتبر صورت گرفته در ایران و مندرج در مقالات فصلنامه‌های علمی-پژوهشی منتشر شده است و جامعه آماری در بخش دوم نیز ۱۷ بند مندرج در سیاست‌های قانون‌گذاری ابلاغی مصوب ۱۳۹۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی است. بنابر این اصل سیاست‌ها و مقالات فارسی دارای پایائی و روائی کافی بوده و نیاز به اعتبارسنجی مجدد ندارند و روش تحلیل محتوا، روش کیفی توصیفی و روش ترکیب پلاس نیز از روش‌های مشهور در علم منطق و روش پژوهش هستند و کاربرد روش‌ها متناسب با متون حقوق، مدیریت و علوم انسانی هستند.

۴. تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

علل قانون‌گریزی متنوع و متفاوت است. برخی از این علل در اسناد کتابخانه‌ای مورد مطالعه این پژوهش توجه شده بود که در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری اشاره خواهد شد؛ اما علل قانون‌گریزی را شاید بتوان با توجه به محتوای جدول ۱ در جدول ۲ تبیین نمود.

جدول ۲ دسته‌بندی عوامل قانون‌گریزی

عوامل	شمول دسته
عوامل اخلاقی	پیروی از هوای نفس، حرص و طمع به ثروت، قدرت‌طلبی و ریاست‌جویی، جاه‌طلبی و خودنمایی، تعصب و تعلق افراطی به خویشان و دوستان، پایین بودن آستانه تحمل، ترس از مافوق و حب و بغض شخصی
عوامل حقوقی	ضعف قوانین، به‌روز نبودن قوانین، ضمانت اجرای ضعیف قوانین، مجریان و برخوردکنندگان با نقص قوانین، جهل و ناآگاهی مردم نسبت به قوانین، عدم اعتقاد به پای بندی به قانون، تفسیر قانون به نفع منافع فردی و یا گروهی، تقلب نسبت به قانون، استفاده‌ی ابزاری از مقررات، سوءاستفاده از مقررات برای اضرار به منافع عمومی و یا خصوصی
عوامل اقتصادی	وضعیت تأهل، مسکن، فقر اقتصادی، نابرابری اقتصادی، توسعه ناموزون
عوامل اجتماعی	آشنفتگی اجتماعی، رسانه‌های گروهی و تحصیلات، پاداش و تنبیه غیرمناسب، ازهم‌گسیختگی نهادی، فردگرایی و بت‌وارگی پول، ضعف نهادهای نظارتی

تعیین مدت اجرا برای سیاست‌های ابلاغی پیشنهاد خوب و مناسب در سیاست‌های ابلاغی رهبری است که قبل از این در آن غفلت شده بود و لازم است تمامی سیاست‌های ابلاغی و قوانین مصوب از این نظر مورد ارزیابی مجدد قرار گیرند. ولی افسوس که خود این سیاست‌های قانون‌گذاری نیز مدت عملیاتی بودن آنها معلوم نشده است. به‌طور مثال سیاست شریعت محوری قوانین در قانون اساسی جمهوری اسلامی اصلی ثابت و لایتغیر است. «محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییر ناپذیر است». (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸، ذیل اصل یک‌صد و هفتاد و هفتم) این بحث به بحث مهم دیگری برمی‌گردد که جای پژوهش بیشتر دارد و آن این که آیا نظام ولایت فقیه حق وضع سیاست دائمی دارد یا ولایت فقیه در چارچوب شریعت اثلا به استنباط و اجتهاد می‌پردازد و سپس با فرض عدم دستیابی به متون شرعی اقدام به وضع سیاست از باب نیابت از ولایت نبی (ص) و اوصیاء (ع) می‌پردازد و این سیاست نباید با جهت‌گیری اسلام مخالفت داشته باشد و باید اموری اقتضایی ناشی از مصالح جزئی

زمانی و مکانی باشد. چرا که دین بنا بر فرض سیاست و مصالح کلیه امور عالم را تا قیامت بیان نموده است و ولی فقیه دین جدید نمی‌خواهد وضع نماید.

خلاصه شدن انطباق با شریعت در لوایح و طرح‌ها از اشکالات اساسی سیاست‌های قانون‌گذاری ابلاغی است. اگر اعتقاد داشته باشیم که اسلام به بیان همه مصالح بشر همت نموده است و فقط به کلیات اکتفاء نکرده است باید در همه سطوح قانون‌گذاری قانون‌گذاران تبعی را نیز ملزم به رعایت شریعت نمود. این کار سبب رونق شرعت محوری در تصویب قوانین می‌گردد و فرهنگ عمومی را متوجه دینداری بیشتر می‌نماید و تکلیف حاکمان در نظام اسلامی را تحقق می‌بخشد. برخی از سیاست‌های قانون‌گذاری در ایران شامل: شریعت‌گرایی، محوریت قانون اساسی و سیاست‌های کلی، محدودیت در حدود اختیارات قانون‌گذاران، ایجاد ثبات و تعادل در قانون‌گذاری، رعایت اصول و پیشینه تخصصی در قانون‌نویسی، تعیین اولویت‌های قانون‌گذاری، رعایت اسناد بالا دستی و حقوق ذی‌نفعان و ترویج فرهنگ قانون‌گرایی به جای قانون‌گزینی است.

یکی از معضلات اصلی در قانون‌گذاری عدم کشف و رعایت مدل قانون‌گذاری در شکل و سازماندهی محتوا مقررات از متون اسلامی می‌باشد به طوری که در عمل الگوی سازمانی متداول در نظامات سلطه جهانی در ایران نیز قانونی می‌شوند. نظیر پذیرش داوری شورای امنیت سازمان ملل، داوری یونسکو، داوری فیفا، داوری‌های آژانس انرژی اتمی، صندوق بین‌المللی پول، ایزوهای مختلف و استانداردهای جهانی در حوزه‌های خودرو و غیره. این امور موجب سلطه کفر بر اسلام بوده و قانون‌گذار اسلامی بعد از مدت‌ها گرفتار ساختارهای ناخواسته شده است که نمی‌تواند از آنها خارج شود. پیشنهاد می‌شود در این امور پیش فرض وجود استاندارد و سازمان در متن دین پذیرفته شود و از فقها درخواست کشف آن از متون دین گردد تا این گونه مشکلات کاهش یابد و بر اساس قانون اساسی جلو سلطه گرفته شود. «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب استوار است». (قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل یک‌صد و پنجاه و دوم)

برخی از مهم‌ترین دسته‌بندی‌های سیاست‌های قانون‌گذاری در جدول ۳ بر اساس محورهای سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری پس از تشخیص مجمع تشخیص مصلحت نظام نشان داده شده است.

جدول ۳ دسته‌بندی سیاست‌های قانون‌گذاری ابلاغی رهبری، ۱۳۹۸

دسته‌های سیاست	محورهای مندرج در هر دسته بر اساس سیاست‌های قانون‌گذاری ابلاغی رهبری	محور
شرع محوری در قانون‌گذاری	توجه به موازین شرع در تنظیم و تصویب طرح‌ها و لوایح قانونی	۱
	ارزیابی و پالایش قوانین و مقررات موجود کشور از حیث مغایرت با موازین شرعی	۲
انطباق مصوبات بر قوانین و سیاست‌های کلان نظام	ایجاد سازوکار لازم برای تضمین اصل چهارم قانون اساسی.	۲
	پالایش قوانین و مقررات موجود کشور از حیث مغایرت با قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام	۳
	تصویب قوانین لازم برای تحقق هریک از سیاست‌های کلی نظام.	۴
	رعایت صلاحیت ذاتی قوا در قوانین تشکیل شوراهای عالی	۴
تعیین حدود اختیارات قانون‌گذاران	بازنگری در قوانین تشکیل شوراهای عالی	۱۴
	سازوکار کارآمد قانونی برای تضمین عدم مغایرت مصوبات آن‌ها با قوانین عادی.	۱۴
طبقه‌بندی و تعیین هرم سیاست‌ها، قوانین و مقررات کشور	تعیین حدود اختیارات قانون‌گذاران با ارائه تعاریف دقیق قانون، آیین‌نامه، تصویب‌نامه، بخشنامه، قانون آزمایشی، اساسنامه، برنامه، خط مشی دولت و تصمیمات، آراء وحدت رویه و سایر مقررات	۵
	طبقه‌بندی سیاست‌ها، قوانین و مقررات کشور بر اساس نص یا تفسیر اصول قانون اساسی حسب مورد، از طریق مجلس شورای اسلامی	۵
تعیین قلمرو اختیارات مجلس در قانون‌گذاری	تعیین هرم سیاست‌ها، قوانین و مقررات کشور بر اساس نص یا تفسیر اصول قانون اساسی حسب مورد، از طریق مجلس شورای اسلامی	۵
	تعیین حدود اختیارات مجلس در اصلاح لوایح با رعایت اهداف لایحه تعیین محدوده اختیار مجلس در تصویب ساختار و مفاد بودجه سالانه کل کشور	۶
کنترل قدرت قوا در تغییر تشکیلات، وزارتخانه‌ها و تعداد وزرا	تعیین سازوکاری از سوی مجلس شورای اسلامی برای تشخیص قابلیت طرح در مجلس (موضوع اصل ۷۵ قانون اساسی) قبل از طرح و اعلام وصول.	۱۱
	ضابطه‌مندسازی و تعیین نصاب بالا برای ارجاع به مجمع تشخیص مصلحت نظام در موارد تعارض مصوبه مجلس با نظر شورای نگهبان.	۱۳
رعایت ادبیات و اصول تخصصی قانون‌نویسی	۸- تعیین وظایف دولت و مجلس در مورد تعداد وزرا و وظایف و اختیارات آنان، وظایف قانونی رئیس‌جمهور موضوع اصل ۶۰ و ۱۲۴ قانون اساسی	۸
	تعیین وظایف قوا در هر گونه ادغام، الحاق، انتزاع و ایجاد سازمان‌های اداری	۸
انسجام در شکل قوانین	- قابل اجرا بودن قانون و قابل سنجش بودن اجرای آن.	۹
	- شفافیت و عدم ابهام.	۹
	- بیان شناسه تخصصی هر یک از لوایح و طرح‌های قانونی و علت پیشنهاد آن.	۹
تعیین شمول و جامعیت قوانین	- ابتناء بر نظرات کارشناسی و ارزیابی تأثیر اجرای قانون.	۹
	- انسجام قوانین و عدم تغییر یا اصلاح ضمنی آن‌ها بدون ذکر شناسه تخصصی.	۹
مشارکت حداکثری ذی‌نفعان و نهادهای مردم‌نهاد، تخصصی و صنفی در قانون‌گذاری	- تعیین عناوین قوانین جامع، تبویب، تقییح و تعیین شناسه قوانین موجود کشور	۹
	- مشارکت حداکثری ذی‌نفعان و نهادهای مردم‌نهاد، تخصصی و صنفی در قانون‌گذاری.	۹

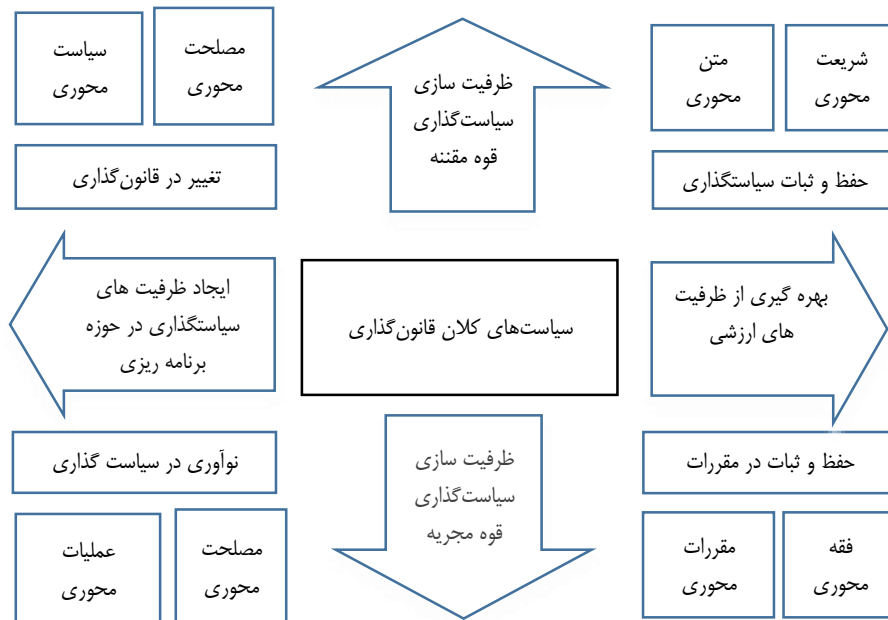
دسته‌های سیاست	محورهای مندرج در هر دسته بر اساس سیاست‌های قانون‌گذاری ابلاغی رهبری	محور
	- عدالت محوری در قوانین و اجتناب از تبعیض ناروا - عمومیت و شمول و جامعیت قانون و حتی‌الامکان پرهیز از استثنای قانونی.	۱۰
تعیین میزان ثبات و تغییر قوانین	- ثبات، نگاه بلندمدت و ملی در قانون‌گذاری. - معطوف بودن به نیازهای واقعی. - تعیین دوره اعتبار بازنگری در مصوبات مصلحتی مجمع تشخیص مصلحت نظام	۹ ۹ ۱۳
قوانین عادی لازم برای اسناد بالادستی	- گره‌گشایی از امور اجرایی کشور، اصول اجرانشده قانون اساسی، سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی نظام، برنامه پنج‌ساله توسعه و مطالبات رهبری. - رعایت تدابیر فرماندهی کل نیروهای مسلح در قانون‌گذاری برای نیروهای مسلح.	۱۵ ۱۶
فرهنگ قانون‌گرایی	- ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ رعایت، تمکین و احترام به قانون و تبدیل به مطالبه عمومی.	۱۷

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

این پژوهش با استفاده از روش تفسیر و فراتحلیل پژوهشی و با جمع‌آوری داده از ۱۴ مقاله علمی-پژوهشی و مفاد ۱۷ بند از سیاست‌های قانون‌گذاری مصوب ۱۳۹۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام، در دو بخش: ۱- مبانی نظری قانون‌گریزی در ایران ۲- دسته‌بندی سیاست‌های قانون‌گذاری مصوب می‌پردازد و در بخش دوم ضمن مرور محورهای ۱۷ گانه سیاست‌های ابلاغی در حوزه قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران به ۱۲ دسته‌بندی می‌رسد و به برخی از نکات به منظور بهبود در اجرا می‌پردازد.

در بخش نخست به مبانی نظری برخی از عوامل قانون‌گریزی با تأکید بر نقص متقابل حقوق شهروندی اشاره شد و از عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی-فرهنگی برخوردار است؛ اخلاق در پیشگیری از قانون‌گریزی نقش دارد و رذائل اخلاقی از عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی است. عوامل جامعه‌پذیری نظیر خانواده و رسانه‌های جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون، اینترنت و شبکه‌های مجازی دارای نقش مثبت یا منفی در قانون‌گریزی هستند. فقر اقتصادی در جامعه شهری با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی رابطه دارد. همچنین از هم‌گسیختگی نهادی تأثیر بر قانون‌گریزی دارد. از عوامل اجتماعی مؤثر بر امکان قانون‌گریزی عدم رعایت عدالت اداری در پرداخت پاداش و اعمال تنبیه است. عوامل تأثیرگذار بر قانون‌گریزی در جدول ۱ اشاره گردید و در جدول ۲ دسته‌بندی شدند و برخی از علل قانون‌گریزی را با توجه به بررسی رویکرد سه گانه تحقیق برای دستیابی به علل قانون‌گریزی در شکل ۱ نشان داده شد.

مقاله در بخش دوم با تحلیل و تکمیل سیاست‌های قانون‌گذاری ابلاغی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۸ به بیان دسته‌بندی سیاست‌ها می‌پردازد (جدول ۳). بر اساس این جدول و توضیحات آن ۱۲ دسته برای سیاست‌های کلی قانون‌گذاری ابلاغی استخراج گردید و با بیان برخی از لوازم آن، رویش قانون‌گرایی را نوید بازگشت به رویکرد اسلامی - انقلابی دانست که سبب تقویت ارکان نظام جمهوری اسلامی در حوزه قانون‌گذاری است و بدین‌سان همه سؤالات پژوهش پاسخ داده شد.



شکل ۲ دسته‌بندی سیاست‌های کلان قانون‌گذاری

برخی از اموری که لازم است مورد مطالعه دقیق در آینده قرار گیرند، شامل: ۱- تقدم فقه اسلام بر اخلاق، عرفان، فلسفه، علم، منطق، تکنولوژی، هنر و ادبیات ۲- تقدم ارگان‌های انقلابی بر ساختار غربی به جا مانده از تمدن شاهنشاهی ۳- لغو کلیه قوانین و مقررات دوران شاهنشاهی و تصویب نیازهای احتمالی خالی شده با حذف این قوانین به منظور ایجاد انسجام در قوانین ۴- لغو الگوهای وارداتی در تصویب و سازماندهی قوانین در کشور ۵- لزوم کشف سازماندهی و نظامات در هر زمینه با پیش فرض ساختار داشتن فرهنگ و احکام اسلام و خاص اسلام بودن این فرهنگ و فقدان این سبک از زندگی در زندگی ادیان دیگر و قوانین مصوب نظامات حقوقی کامن‌لا و رومی ژرمنی ۶- احیای امر به معروف عمومی به عنوان گفتمان حاکم بر کشور و حمایت قانونی و شرعی از آمران به معروف و ناهیان از منکر؛ زیرا غفلت از فریضه امر به معروف و نهی از منکر در

بین مردم و دستگاه‌های عمومی و دولتی از عناصر اصلی قانون‌گزینی و وجاهت عمومی آن در کشور می‌باشد. از مقایسه جدول‌های ۱ و ۲ و ۳ می‌توان به نکات جدید مندرج در سیاست‌های قانون‌گذاری و نوآوری‌های آن پی‌برد.

پیشنهادها: قوانین مصوب قبلی مجلس در مواردی دارای نقص در انطباق با شریعت می‌باشد، این نقص به روش نظام‌مند باید اصلاح شود و صرف وجود شورای نگهبان نتوانسته مانع از تصویب قوانین خلاف شرع گردد. پیشنهاد می‌شود قانون‌گذاران اصلی و تبعی در جمهوری اسلامی ایران برای رعایت اصل چهارم قانون اساسی ملزم به ارائه پویست شرعی در همه موارد قانون‌گذاری شوند و مجالس قانون‌گذاری طوری پیش‌بینی شوند که درصدی از آشنایان با فقه اسلام به طوری چشم‌گیر گردد که فرهنگ عمومی قانون‌گذاری تبدیل به فرهنگ فقهی شیعه شود. آنچه اکنون در شرایط نمایندگی مجلس شورای اسلامی لحاظ شده است با توجه به لزوم رعایت شرط لیسانس و فرهنگ حاکم بر دانشگاه‌های کشور الزام به آشنایی با فرهنگ غرب شرط ورود به مجلس شورای اسلامی شده است.

امروزه یکی معضلات اصلی، عدم رعایت ضوابط شریعت در تصویب نامه‌ها، آئین‌نامه‌ها، اساس-نامه‌ها و نظام‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها می‌باشد. این قوانین دقیقاً کنترل نمی‌شود و مشکلات زیادی برای کشور ایجاد نموده است. پیشنهاد می‌شود به طور نظام‌مند افراد آشنای با اسلام برای این امور سازمان‌دهی و جایگاه قانونی آن تقویت گردد.

روش برخورد با قانون‌گزینی صرف قانون‌نویسی مجدد نیست. ایجاد فرهنگ قانون‌گرایی دارای لوازم عقلی، نقلی و عرفی و قانونی متنوع است و خلاصه در لوازم قانونی نیست تا بتوان با وضع قانون مانع آن شد. پیشنهاد می‌شود همه لوازم فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی اجرای قانون به عنوان یک رفتار پسندیده و معروف جایگزین منکر قانون‌گزینی شود تا به صورت یک فرهنگ عمومی درآید. این فرهنگ زمانی اجرا می‌شود که علما و حاکمان نخست خود قانون-مدار باشند.

پژوهش حاضر به دو بخش شناسایی علل قانون‌گزینی و دسته‌بندی سیاست‌های قانون‌گذاری ابلاغ شده از سوی مقام معظم رهبری در قانون‌گذاری پرداخته است که در شکل‌های زیر نشان داده شده است. شکل ۱، علل قانون‌گزینی را با توجه به بررسی مطالعات علی و توصیفی، شناسایی نموده است.

منابع

1. Aliahmadi Jeshfaghani, H. (1999). Governmental properties and expediency, Imam Khomeini Congress and the Thought of Islamic State, 285-318.
2. Aliahmadi Jeshfaghani, H. (1995). Comparison between the Evidence of Duties and Leadership and authority rights, Tehran, Brahman Publications.
3. Asgari, A., & Niazi, E. Gh. (2013). The role of ethics in preventing legalism, biological ethics, fall, 9, 122-143.
4. Asgharzadeh, S., & Shaygan, F. (2015). A multi-factor approach to law enforcement, law enforcement, winter, 69, 1 - 16.
5. Asgari, M. R., & Mehrabi, M. (2007). Understanding the causes and backgrounds of law enforcement, studies in political science, Law and Jurisprudence, 1-3, 113- 102.
6. Constitution of the Islamic Republic of Iran and its amendment, Approved 1989.
7. Danaei Fard, H., & Azar Adel-Salehi, A. (2009). Law enforcement in Iran: explaining the role of political, economic, legal, managerial and socio-cultural factors, forensic knowledge, fall, 44, 7 - 65.
8. Eskandari, M. (1999). A look at the concept of politics, domain and university, spring, 21, 61-76.
9. Forouzandeh, L., & Vojdani, F. (2009). What is public policy making? economic and political information, 270, 207- 180.
10. Ghahramani, M., & Mokhtari, M. (2011). The social factors affecting the avoidance of legalization in administrative relations study: citizens over 18 years of age, Shiraz, *Social-Cultural Strategy Journal*, winter, 1, 127 - 146.
11. Haghdari, A. A. (1995). Congress of imam khomeini's jurisprudential principles - the role of time and place in ijtiḥad, imam khomeini (rh) and the role of time and place in government orders, Qom, Imam Khomeini's Publication Office.
12. Heidari, A., Rezaḍost, K., & Forutan KIA, Sh. (2012). Theory of institutional disruption and legalism, case study: students of Shahid Chamran university of Ahvaz, Iran social issues, winter 2012, 2, 39-60.
13. Kalantari, S., Rabbani, R., & Sadaqat, K. (2005). the relationship of poverty with legal aid and formation of social injury, social welfare, fall 2005, 18, 65 - 90.
14. Khamenei, S. A. (2019). The legislative policies of the supreme leader, Declared Approved.

15. Khansari, M. (2019). Formal logic, Tehran, Agah publishing, 42nd edition.
16. Mirfardi, A., & Faraji, F. (2013). Investigating the relationship between socialization factors (family and mass media) and the tendency to legalism (Case Study: Yasuj City), *Social-Cultural Strategy*, fall, 12, 41-68.
17. Parvin, F. (2013). The avoidance of mutual violations of citizenship, *Islamic Social Research*, summer, 97, 186-176.
18. Rabiei, A. R., Malek Mohammadi, M., Ghajari, H. A. (2016). Sociological explanation of factors influencing youth attitude toward law-enforcement (14- to 29-year-olds in Bourgeon), *Strategic Studies of Sport and Youth*, summer, 32, 153-170.
19. Saniei, M. H., & Akrami, S. M. (1986). Investigating the status of law and legalism, *Journal of Strategic Management Studies of National Defense*, fall, 3, 29 - 47.
20. Seyed Nejad, S R., & Baghi Nasrabadi, A. (2017). A study of the ethical roots of legalism in managers and employees from the Islamic Rerspective, *Journal of Ma'rifat*, November, 239, 73 – 86.